

ضرورت های يك اتحاد آگاهانه

نکات اصلی بحث :

- ۱- به احتمال بسیار بالا پروسه سرنگونی فعال جمهوری اسلامی به فاز یا فازهای نهائی نزدیک میشود.
- ۲- اعتراضات کارگران تماما بیحقوق و فریاد قاطع سرنگونی تمام بساط دیکتاتوری و جنایتکار اسلامی از طرف دانشجویان و جوانان ، زنان در سرتاسر ایران ، با سمپاتی غیر قابل انکار عموم مردم و نفرت بی پایان از ج.ا.اسلامی ، موتور اصلی تحرك اجتماعی دوره اخیر است . این جنبش ها ریشه های عمیق در ساختار سرکوبگرانه و سر تا پا بسته و ضد انسانی ایت الله های فاشیست دارد . این جنبش ها کاملا داخلی و اصیل هستند و ربطی به سیاست خارجی کشور های دیگر ندارند ، هر چند ، آگاهانه از شرایط حضور مستقیم آمریکا در همسایگی های ایران ، و موضعگیری دولت آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ، بعنوان شرایط مساعد، نیز استفاده میکنند .
- ۳- زمان بسیار مهم است . باید این دیو صد شاخ را در شیشه فرو کرد و به سرعت .
- ۴- اکثریت قاطع اپوزسیون، خواهان اینست که خودش دستگاه ملا های جنایتکار را سرنگون کند . یعنی در لحظه کنونی خواهان مداخله نظامی آمریکا و یا هیچ قدرت نظامی دیگر نیست . (آمار دقیق در کار نیست و این يك برداشت با مطالعه است)
- ۵- این تمایل ، اما ابدی نیست و اگر کار رژیم جمهوری اسلامی در عرض همین آینده نزدیک تمام نشود ، نظر دخالت نظامی آمریکا برای سرنگونی رژیم میتواند به يك تمایل گسترده و از روی استیصال تبدیل شود . و آنهم اساسا از داخل . بهانه بسیار است . جمهوری اسلامی با آن دسته های وحشی اش و سیاست های فاشیستی و توسعه طلبانه اش در منطقه و دنیا بهانه را سریع تر از همه خواهد داد . دسته های خیلی قوی در آمریکا در کمین ملا ها نشسته اند . باور کنید .
- ۶- امکان اینکه ، جوانان در ایران ، مایوس از گری سران رژیم ، به درجاتی به مقابله مسلحانه با نیروهای سرکوبگر ، رو آورند ، واقعی است . صرفنظر از اینکه آمریکا چه مقدار بنا به مصالح و منافع خودش ، به مسلح شدن جوانان داوطلب کمک بکند یا تنها به فشارهای

سیاسی- اقتصادی اکتفا کند ، این تمایل به مسلح شدن در بین جوانان ، کاملاً اصیل است . تاریخ ایران ، با این پدیده بیگانه نیست ، بلکه کاملاً برعکس ، بارها و بارها ، جوانان هر نسل ، در وصف خشونت انقلابی بر علیه ستمگران ، شعرها گفته و عمل کرده اند . تعویض قدرت در تاریخ ایران اساساً ، با خشونت و یا در محیط خشونت ، صورت گرفته است . با هر برداشتی از بد یا خوب بودن خشونت در شرایط مشخص . شرایط مشخصی که رهبر و رهبرک های خود گماشته کشور و بدتر از هر فاشیست در دنیا ، چاقوکش های خدا در روی زمین ، شمشیر جهاد با نوه ها را در فضا میچرخاند ، که بگویند ما خیلی زیادیم . در شرایط مشخصی که ، آن ملاحی فرتوت تاریخاً باخته ، هنوز معنی درهم شکستن بساط صدام حسین ، که اتفاقاً صد در صد آرا مردم له شده عراق را پشت خود داشت ، نفهمیده اند . هنوز از داستان میلوسویچ و گروهش ، که در عین پیشبرد سیاست های فاشیستی در یوگوسلاوی سابق ، که تازه به اندازه ملا عمر های ایرانی ، بی فرهنگ نبود ، چیزی نگرفته اند . و نه از سرنگونی این همه دیکتاتور های جور واجور و عجیب و غریب ، در جلوی چشمانشان . سوال اینست ، آیا یک مسلح شدن ، بدون فکر سیاسی روشن آزادیخواهانه و بدون نقشه ، لزوماً به برقراری دموکراسی در ایران برای همه ، می انجامد ؟ این نیروی مسلح شده ، پاسدار کدامین آرزوها و یامناف خواهد شد ؟ بدون شك ، در ایران فردا ، خود خشونت دستجات شکست خورده حزب الله ، درجه ای مناسب از مسلح بودن موثر را می طلبد . ولی آیا امکان اینکه بخشی از نیروی مسلح شده ، در جهت سرکوب آزادی های شهروندی ، کانالیزه شود ، وجود ندارد ؟

تاریخ ایران ، پر از این حادثه است .

۷- تنها ضامن شکست ناپذیر شدن حقوق شهروندی در ایران فردا ، اینست که جنبش عمومی ، از هم اکنون چشم انداز روشن و محکمی از فردای بعد از سرنگونی داشته باشد . نه صد البته از نوع دروغ "نفث مجانی" همه آزادند" . با خطوط اصلی يك سناریو آزادیخواهانه آشنا باشد . به انحرافات دیکتاتور منشانه از این سناریو ، حساس شود . این ضمانت زمانی حاصل میشود که تمام نیرو های مدعی شرکت در قدرت سیاسی ایران فردا ، از هم اکنون حول ، يك

منشور آزادیخواهانه شهروندی ، بعنوان پایه روابط اجتماعی و سیاسی ساکنان ایران ، جمع

شوند • به یکدیگر ، در حضور همه ، تعهد خود را به این حقوق ، اعلام نمایند • پروسه سرنگونی را سرعت لازم ببخشند و دوران گذار - حداکثر یکساله - را ، تا انتخاب اولین پارلمان و اولین دولت پیشرفته دمکراسی ، با هیچ یا کمترین صدمه جانی و مالی برای شهروندان ایران ، با موفقیت و سربلندی ، فعالانه طی کنند •

۸- اگر امروز ، نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ، نتوانند حول يك منشور بدیهی آزادیخواهانه ، کنکرت و حداقل جمع شوند ، و هر تلاشی در این راستا ، زیر آواری از اتهامات متنوع ، برعکس به فضایی تنفرانگیز و یاس آور تبدیل شود ، در آنصورت واقعا به حال فردای بعد از سرنگونی ، باید نگران بود •

۹- هر گروه بندی ، به تنهایی قادر نیست این رژیم را سرنگون کند و دوران گذار متمدنانه ای را ، پیش ببرد • اگر کسی هنوز در فکر این داستان است ، بهتر است به سرنوشت جمهوری اسلامی ، به سرنوشت تمام دیکتاتوری ها در تاریخ ایران و جهان ، لحظه ای فکر کند • اگر کسی ، باز از سر عقب ماندگی ، به ماجراجویی رو آورد ، در فکر کلاه گذاشتن بر سر مردم ، سرکوب یا خفه کردن نیرو های رقیب در جامعه سیاسی باشد ، باید بداند که اینکار ساده نیست و بزودی نفرت مردم را بر علیه خود ، شعله ور خواهد کرد • چه کسی تمایل دارد در جایگاه ملاحی منفور ایران قرار گیرد ؟ چه کسی تمایل دارد خیابان های ایران ، صحنه خشونت های سیاسی با تمام تراژدی های انسانی آن گردد ؟ آنهم ایران ویرانی ، که بیش از هر چیز نیاز به ساختن جامعه و خود دارد • ایران ویرانی که از هر گوشه اش خونی میچکد !

۱۰- در تمام این سال ها ، هنوز جای يك استدلال خردگرایانه ، در مقابل يك اتحاد آگاهانه ، روشن و هدفمند ، خالی است • جای بس تعجب و تاسف ، که قهرمانان ضد فاشیست ما ، قهرمانان سرنگونی طلب ما ، هنوز مشغول تفسیر حوادث هستند و هنوز برنامه عمل برای سرنگونی و دوران گذار ، ندارند • و هنوز نقش خود را صرفا ، افشاگری جنایت های رژیم یا خیانت های گروه رقیب ، می پندارند • انگار تازگی دارد ! هنوز انرژی گرانبهای زیادی مصرف میشود که چنین اتحاد عملی ، شکل نگیرد • بخصوص بخشی از مدعیان متد علمی ، در جریانات گوناگون ، که بسیاری در يك اسکولاستیک جانکاه گرفتار آمده اند ، شدیداً يك جواب

و يك استدلال منطقی ، به مردم خسته از فاشیسم ، بدهکارند . دوران ، دوران استدلال است و کسی که بخواهد این منطق را دور بزند ، و از تفرقه بی منطق موجود ، يك ایده آل بسازد ، نقشی بسیار بد در تاریخ ایران بازی کرده است . نقشی که سرانجام به دخالت نیروی خارجی خواهد انجامید . و تاریخ ایران ، نیز پر از این حادثه است . آیا آنرا می خواهیم ؟

۱۱- تاریخ ۲۵ سال آینده ایران ، در رفتار سیاسی امروز ما، گروه های مخالف ، نوشته میشود . اینرا ، ما نسل وسط ، قاندا باید خوب بدانیم ! بد نیست که لحظه ای ، از افشای دشمنان رنگارنگ ضد بشر ، دست برداریم و نگاهی به وضع دمکراسی علنی در بین خود بیاندازیم . دیکتاتور بازی ها را کشف کنیم و ذره ای از گناه این همه شکست های پی در پی ، این همه تراژدی خونین در این صد سال را ، خود بر دوش کشیم . راستی آیا هر مخالفی ، دمکرات است ، یا به چه میزان هست ؟ زیاد ، کم ، اصلا ، کاملا ؟

رضا آبان

۵ تیر ۱۳۸۲ (۲۶ ژوئن ۲۰۰۳)